

نمایش خشونت در سینمای کودک



نازنین مخم

نقاشی متحرکی که ارتباطی با کودکان نداشتند حضور داشتند. از جمله فیلم نقاشی متحرک ابرقدرتها اثر زرین کلک که صاحب یک تم سیاسی و خارج از حوصله کودکان بود یا بعضی فیلمهای کوتاه که از تکنیک خمیری استفاده کرده بودند اما مشکلات روزمره زندگی ماشینی را در حد درک بزرگسالان مطرح می‌کردند. باری، تفاوت میان عنوانی که برای این بخش انتخاب شده با نوع مخاطبی که می‌توان برای آنها یافت این اجبار را بیش می‌آورد که مسابقه فیلمهای کودکان با دو نگاه متفاوت بررسی شود. یکی دیدن فیلمها به عنوان آثاری که با کودک ارتباط برقرار می‌کنند و بر او تاثیر می‌گذارند و چگونگی این تاثیرات و دیگر آثاری که فیلمهای بهتری هستند بدون ارتباط با کودکان.

بسیاری از فیلمهای این بخش برای کودکان ساخته نشده بودند و تنها بازیگر خردسال یا نوجوانی در آنها نقش آفرینی می‌کرد. از جمله "باو"، "مرغ و همسایه"، "بازگشت رابین هود" و "مرد شدن". تعدادی هم نه به کار کودکان می‌آمد و نه جذابیتی برای بزرگترها داشت مانند زنبقهای وحشی که کودکان را به بزرگترها از دیدگاه بزرگترها نشان می‌داد، و اضافه بر آنچه بزرگترها می‌شناسند نمی‌دانست. یا "لنگرگاه" که مسائل مادر و پدرها را به سبزه فیلمهای هر روز گیشه مطرح می‌کرد با این تفاوت که حادثه برای نوجوانان فیلم اتفاق می‌افتاد و نه برای مادر دلسوز.

فیلم "گال" با همه نکات مثبتش برای کودکان مناسب نبود. همین‌طور نمونه بد چینی آن که یک فیلم تبلیغاتی و دستوری بود. "کلنار" و مشابه خارجی آن "دوست شیطان دلشاد" از آن جهت که می‌توانستند مخاطب خود را کودکان قرار دهند با مناسبت بیشتری زیر عنوان بخش کودک و نوجوان قرار گرفته بودند و اتفاقاً در هردو، مشکل طولانی بودن جلب توجه می‌کرد که مانع پیگیری کودکان می‌شد. در هر حال این نکته که بعضی از فیلمهای این مجموعه در کودک انگیزه دنبال کردنشان را ایجاد نمی‌کرد و تنها به خاطر نبود حق انتخاب کودک ممکن است به تماشای آنها بنشیند مشکلی است که با کسب تجربه بیشتر در سینما رفع می‌شود، اما گاه در این فیلمها ندانم‌کاری‌هایی جلب توجه می‌کرد که نه تنها فیلم را برای کودکان نامناسب بلکه مضر می‌ساخت. یکی از این مسائل که در سرتاسر سال بر تولیدات تلویزیونی برای کودکان و نوجوانان نیز سایه افکنده مسئله زبان محاوره بازیگران خردسال است.

هنوز مسئله انتخاب ادبیات محاوره‌ای برای فیلمها محمول بزرگی است. بخشی از

اولین قسمت از جشنواره سینمایی فجر که به شکل بین‌المللی برگزار شد، "مسابقه بین‌المللی فیلمهای کودکان و نوجوانان" بود با بیست و یک فیلم بلند و سی فیلم کوتاه و نیمه‌بلند که در دو سینمای سپیده و آزادی به نمایش درآمدند. بیشتر فیلمهای این بخش به کشورهای اروپای شرقی تعلق داشت. همین‌طور چهار داور از پنج نفر داور که درباره فیلمهای این بخش قضاوت می‌کردند، از این کشورها بودند.

همچنین برای نخستین بار بود که در جشنواره‌های سینمایی فجر فیلمهای کودکان به بخش مسابقه راه یافته بود و این نشانه بها دادن به نقش سینما در زندگی کودک و نویدبخش توجهی است که در سال‌های آینده از سوی مسئولان به این بخش خواهد شد.

آنچه از سینمای ایران در میان این مجموعه فیلمها گنجانده شده بود، نمایش تلاش سینماگران ما در چند ساله اخیر در زمینه سینمای کودکان بود. چنانکه با حسن‌نیت تمام فیلمهایی که از چند سال پیش ساخته و اجازه نمایش نگرفته بودند در جشنواره امسال ارائه شدند و این شاید محک دقیق‌تری از موجودی سینمای کودک در ایران به دست دهد. اگرچه علت توقیف آنها مانند گذشته گنگ ماند. این فیلمها عبارت بودند از میهمان ناخوانده که جای نام سازنده‌اش خالی بود، باشو غریبه کوچک ساخته بیضایی، مدرسه‌ای که می‌رفتم ساخته مهرحویسی و گال ساخته ابوالفضل جلیلی که همه از فیلمهای بلند مدت بودند. مجموعه دوازده فیلم بلند و ده فیلم کوتاه و نیمه‌بلندی که امسال از ایران در بخش مسابقه فیلمهای کودکان و نوجوانان شرکت داشتند، ظاهراً می‌بایست راهگشای کمبودها و نقایص سینمای کودکان ما باشد.

در بخش فیلمهای بلند به اثر عروسکی و یک کار ادغامی عروسکی و زنده از ایران به نمایش درآمد، که "میهمان ناخوانده" و "کارگاه ۳" با فیلمبرداری از دو نمایش موفق کانون پرورش فکری تهیه شده بودند. اما از آنجا که در جهت سازگار کردن این آثار با سینما تلاش کافی صورت نگرفته بود، از جذابیتشان کاسته شده بود. "کارگاه ۳" نتوانست کودکان را در سالن نگاه دارد و میهمان ناخوانده در بسیاری دقیقاً - مخصوصاً در گفتگوهای طولانی و شخصیت - خسته‌کننده می‌شد. "گرداب سکندر" مانند بسیاری دیگر از تولیدات تلویزیونی برای کودکان، بدون توجه به علاقه‌مندی‌ها و نیازهای مخاطب ساخته شده بود و موضوع آن به کودکان ارتباطی پیدا نمی‌کرد و انتخاب تکنیک عروسکی در ساختن این موضوع تنها برای تحمیل یک

داستان بیش‌بافتاده و تکراری به کودکان به کار رفته بود.

اما فیلمهای خارجی شرکت داده‌شده در این بخش با توجه به محدوده خاص فرهنگی که مسئولان برای انتخاب این فیلمها فائل شده بودند قاعدتاً می‌بایست گویای نظرگاهی باشد که برای کودکانمان در سینما می‌بینیم. در میان هفت فیلم بلند و ۲۰ فیلم کوتاه خارجی در این بخش، از اروپای غربی، آمریکا، کانادا، استرالیا و ژاپن هیچ اثری دیده نمی‌شد، به استثنای فیلم "تومو" از ایتالیا که پس از اعلام آرای داوران به نمایش درآمد. در میان فیلمهای ایرانی این بخش تنها دو فیلم (لنگرگاه ساخته کیومرث پوراحمد و فیلم کوتاه یک صبح برماحرا ساخته تورج منصوری) تولیدات دولتی نبودند و این می‌تواند نشانه بی‌توجهی بخش خصوصی به سینمای کودکان باشد. مسئولیت تهیه فیلمهای کودکان در کشور ما عمدتاً بر دوش سه مرکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، صدا و سیما جمهوری اسلامی و بنیاد فارابی و نهادهای وابسته به آن است که البته گه‌گاه مجتمع دانشگاهی هنر و دانشکده صدا و سیما نیز به ساختن فیلمهای کوتاه می‌پردازند چنانکه امسال هم هریک از این دو مرکز آموزشی یک فیلم کوتاه در جشنواره کودکان به نمایش گذاشتند.

در زمینه فیلمهای کوتاه برای کودکان بخش خارجی مسابقه بسیار غنی بود که بیشتر از انواع فیلمهای غیرزنده با تکنیک‌های مختلف نقاشی متحرک عروسکی، خمیری و روتوپیکسپی بود. البته اینجا هم فیلمهای کوتاه و حتی

فیلمها از دیالوگ‌هایی رنج می‌برند که غیرواقعی و با زبان هر روز ما بیگانه هستند نظیر بعضی از فیلمهای تهیه‌شده و دوبله‌شده در تلویزیون. باقی فیلمها که سعی می‌کنند از طریق دیالوگ به فضای واقعگرایانه فیلم کمک کنند بر دو دسته‌اند یکی آنها که کودکان و نوجوانان را وادار می‌کنند به زبان لاتین و لمبونی صحبت کنند و یکی آن دسته‌ای که به محاورات روستایی پناه می‌برند. در فیلم "باو" تنها تکواژه‌هایی (از جمله واژه "باو" به معنی پدر بزرگ) در میان دیالوگ‌های فارسی گنجانده شده بود. یا در فیلم "گرداب سکندر" برای کمک به تپ‌سازی سطحی از دیالوگ‌های شسته و رفته برای شخصیت مثبت و از دیالوگ‌های غلط و لاتین برای شخصیت‌های منفی در همان سطح طبقاتی و فرهنگی استفاده شده بود. هرگونه حساسیت در مورد زبان گفتاری در آثاری که برای کودکان ساخته می‌شود با توجه به یادگیری و تکرار مطالب از سوی کودکان مقید و ضروری است، چرا که همین شنیده‌های کودکان، آینده‌ی زبان و ادبیات ما را می‌سازد. پس نباید با همان بی‌اعتنایی با آن روبرو شد که در این سالها در فیلمهای بزرگسالان با آن روبرو بوده‌ایم.

نکته دیگری که در این مجموعه فیلمها خودنمایی می‌کند بی‌توجهی به تنوع نمایش خشونت و اساساً طرح آن در فیلمهای کودکان بود چه فیلم درباره کودکان و چه فیلم برای کودکان. در فیلم "مرد شدن" محصول شوروی یک سیستم تعلیم و تربیت براساس خشونت و فشار نتایج موفقیت‌آمیزی به بار می‌آورد. کودکی که از تنهایی می‌ترسد وادار به تنها پیمودن راه می‌شود و می‌بینیم که شجاعت را

باشو غریبه کوچک

می‌آموزد. گاه این خشونت با نشان دادن صحنه‌های سر بریدن حیوانات، جان کندن آنها و از این قبیل از حد متعادل خارج می‌شود، آنها در فیلم کوتاهی مانند "قدیر پرندها" را دوست می‌دارد" که پیامش با لطافت در روابط عاطفی کودک با حیوانات عجیب است. این خشونت گاهی در قالب شوخی با تماشاگر نیز طرح می‌شود. در فیلم "مرغ و همسایه" پدر در لحظه‌ای با دستهای خونین وارد می‌شود که پسرک در هراس کشته شدن مرغش بی‌خواب شده، اگرچه بعد می‌فهمیم که آن دستها در اثر رنگ قرمز شده بودند، اما دیگر آن اثر نامطلوب در ذهن کودک نقش بسته و تخریب صورت گرفته است. خشونت در مواجهه شدن با کودکان از طریق ادبیات و هنر گاه به سادگی و با صحنه‌های تکان‌دهنده طرح می‌شود و گاه به اشکال غیرمستقیم و زیرکانه‌تر. یکی از این شیوه‌های تهاجم ساختن فیلمهای سیاسی در قالب فیلم برای کودکان و تحمیل آن به کودک از طریق یک خط داستانی است. فیلم "ماهی" که برای گروه سنی "ب" (براساس تقسیم‌بندی‌های کانون پرورش فکری) ساخته شده بود هدف را در حد یک شعار سیاسی و حساس کردن کودک نسبت به یک ماجرای سیاسی تنزل داده بود. درحالی که مشکلات و نیازهای کودکان آنقدر مهم و عمیق هست که محتاج اشارات سیاسی و سمبلیک خاصی برای افزودن بر اهمیت فیلمسازی در این زمینه نیست. ضمن اینکه گروه سنی "ب" که هنوز در دبستان به سر می‌برد به تشخیص مسائل سیاسی نرسیده و طرح آن زودتر از اینکه کودک به آن فکر کرده باشد جز نوعی تهاجم بر ذهنیت کودک نیست. با اینهمه در میان فیلمهایی که امسال در بخش

مسابقه فیلمهای کودکان به نمایش درآمد نباید از فیلمهای خوب هم غافل ماند. از جمله "گال" که نه به عنوان فیلم برای کودکان اما به عنوان یک فیلم متفاوت براساس شناخت دقیق از موضوع در تاریخ سینمای نیمه‌مستند ما جلب توجه می‌کند. دیگر فیلم "باشو غریبه" کوچک که نه تنها بهترین ساخته بیضایی بلکه به جرئت می‌توان گفت یکی از بهترین فیلمهای سینمای پس از انقلاب ما است که بررسی آن از محدوده نقد سینمایی نیز فراتر می‌رود. در میان فیلمهای خارجی، فیلم "مومو" براساس داستانی با همین نام شاید بهترین و مناسب‌ترین فیلمی بود که برای کودکان در این جشنواره به نمایش درآمد.

"نقاشی متحرک اروپای شرقی"
سینماهای: ادئون - فرهنگ - قدس

کارتون در غیاب کودکان

هروقت که پای نقاشی متحرک در میان است همه به یاد بچه‌ها می‌افتند، هرچند که بسیاری از بزرگترها هم با علاقه‌مندی زیاد در زمره بینندگان انیمیشن هستند و با اشتیاق تمام صحنه‌های خیالی انگیز نقاشی متحرک را می‌بینند... ولی اصولاً اینگونه فیلمها برای کودکان ساخته می‌شوند و با امکانات نامحدودی که تکنیک نقاشی متحرک میسر می‌کند، به راحتی می‌تواند پرندۀ خیال کودکان را به پرواز درآورد.

عموم فیلمهای انیمیشن در جشنواره امسال محصولات نقاشی متحرک اروپای شرقی بودند و سینماهای نمایش‌دهنده این فیلمها یعنی سینما ادئون، سینما قدس و سینما فرهنگ از کمترین تعداد تماشاچیان برخوردار بودند و پذیرایی درخور توجه کارکنان این سینماها نیز مشکلی را حل نمی‌کرد.

درحالی که در سطح شهر سینماهایی مثل سینما بولسوار (سینمای کودک و نوجوان) و سینما گلدیس کوچک (گلریز) و نیز سینما سینه‌موند (قیام) در طی سالهای گذشته به عنوان سینماهای ویژه نمایش فیلمهای کودکان شناخته شده‌اند و خوب بود که مسئولان جشنواره هم به این نکته توجه می‌کردند...

